



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

۰۶ اگست، ۲۰۲۳

داکتر ضیاء نظام

امریکا از تاریخ نیاموخته است

ایالات متحده امریکا در مورد افغانستان چند بار اشتباه مشابه را مرتکب شده است. آخرین اظهارات رییس جمهور بایدن در این زمینه بیان گر اعتماد امریکا به طالبان جهت از بین بردن القاعده در افغانستان می باشد. اخیراً رییس جمهور ایالات متحده امریکا مدعی شد که القاعده فعلاً در افغانستان حضور ندارد و این امر از برکت کمک طالبان تحقق پذیرفته است. ظاهراً رییس جمهور امریکا می گوید که طالبان به آن کشور وعده سپرده که مانع رشد نفوذ القاعده در افغانستان گردد و امریکا به آن گروه در پیوند به تضعیف و نابودی القاعده اعتماد کرده است. معلوم می شود که معامله ای بین امریکا و طالبان انجام شده و در بدل حمایت های استخباراتی، سیاسی و مالی امریکا، طالبان موظف به انجام ماموریت هایی شده اند که پیامدهای آن برای مردم افغانستان ناگوار خواهد بود. نتیجه فوری آن افتادن چهل میلیون افغان به دست یک گروه دهشت افکن و متعصب است که به کار، تحصیل و آزادی های مردم نه تنها ارزش و احترامی قایل نیست، بلکه به صورت دوام دار و پی گیر محدودیت های آشکاری ضد بشری در برابر آنها وضع می کند. چنین معامله دردناک میان یک ابرقدرت و یک گروه عقب مانده کم سابقه است.

حضور القاعده در افغانستان انکار ناپذیر است. این گروه در افغانستان فعالیت دارد و طالبان را در بسی جهات کمک می کند. چنان که در گزارش نهم ماه جون امسال سازمان ملل متحد آمده است، القاعده همین اکنون در شش ولایت افغانستان (هلمند، زابل، ننگرهار، نورستان، بادغیس و کنر) فعال است و در اردوگاه های آموزشی اش به گروه های دهشت افکن دیگر آموزش می دهد. به اضافه آن، القاعده در بعضی از ولایات افغانستان خانه های امن و در هرات یک مرکز رسانه ای دارد. در گزارش مذکور آمده است که بعد از تسلط طالبان بر افغانستان، روابط این دو گروه مستحکم تر نیز شده است. همچنان در گزارش متذکره نام برخی از اعضای بلند پایه القاعده که در حکومت

طالبان شغل رسمی دارند ذکر شده است. قاری احسان الله بریال، والی کاپیسا، حافظ محمدآقا حکیم، والی نورستان و تاج میر جواد، معاون ریاست عمومی استخبارات طالبان، از جمله اعضای مهم القاعده می باشند. دو تن اول قبل از سقوط دولت افغانستان اعضای شبکه حملات تروریستی بر کابل بوده‌اند. دست آنان به کشتار و بدبختی هزاران افغان آلوده است. گذشته از این، اعضای القاعده جهت آموزش طالبان در ساحات اداری و امنیتی، خصوصاً در وزارت دفاع طالبان، مشغولند. آنان با خود پاسپورت افغانستان و کارت هویت طالبان را دارند.

این که ادعا می شود فعالیت القاعده بعد از تسلط طالبان بر افغانستان، تضعیف شده و یا دامن فعالیت های آن گروه از کشور ما برچیده شده است، با واقعیت همخوانی ندارد و یک ادعای سیاسی مرموز است. رهبران دولت امریکا به هر دلیلی که به موضع چشم پوشی از گسترش فعالیت های تروریستی و افزایش حضور گروه های تروریستی دارای آجندهای منطقه‌ای و جهانی، افتاده باشند، نتیجه اش برای مردم افغانستان و همچنان برای مردم منطقه و جهان، از جمله ایالات متحده، ناگوار خواهد بود. در واقع امریکا اشتباهات گذشته اش را تکرار می کند. در این مورد بیل دوجو، سردبیر مجله مشهور «جنگ طولانی» می‌نویسد: «این ایالات متحده نیست که از طالبان کمک می گیرد بلکه القاعده است که به کمک طالبان در افغانستان فعالیت می کند.»

کشته شدن ایمن الظواهری، رهبر القاعده، در اواخر ماه جولای سال گذشته در حمله هوایمای بدون سرنشین امریکایی در کابل نشان داد که رابطه طالبان و القاعده خیلی نزدیکتر از آن است که تصور کنیم طالبان مانع فعالیت القاعده شوند. برای آگاهی بیشتر از واقعیت رابطه مستحکم طالبان و القاعده، بهتر است به گذشته نظر انداخته شود. در سال ۱۹۹۶ به اسامه بن لادن و پیروانش اجازه دادند که در افغانستان پایگاه و آموزشگاه بسازند. این گونه هر دو گروه جنگجو متحد شدند و رهبران القاعده به ملا عمر بیعت کرده و او را امیرالمومنین، یعنی رهبر همه مسلمانان، خواندند. همکاری متقابل همهجانبه و روابط دوستانه بین هر دو گروه به تدریج وسعت یافت و مستحکمتر شد. القاعده در آن سالها طالبان را در جنگ با اتحاد شمال همکاری می‌کرد. این همکاری به مساعدت‌های مالی محدود نمی ماند، بلکه جنگجویان گروه القاعده در کنار طالبان می جنگیدند و در اداره جنگ و آموزش فرماندهان طالب نقش داشتند. در عوض این همکاری‌ها، طالبان خاک کشور را در اختیار القاعده گذاشته بودند تا آزادانه در آن زندهگی و فعالیت کنند. پایگاه های نظامی و آموزشی القاعده در نقاط مختلف افغانستان ایجاد شده بود. پایگاه آموزشی الفاروق در ولایت قندهار یکی از پایگاه هایی بود که در آن ها جهاد گران برای انتقال جنگ و تروریسم به گوشه‌های مختلف

جهان آموزش می دیدند. این فعالیت‌ها و برنامه های تروریستی القاعده از چشم طالبان پنهان نبود و آنان بدون پنهان کاری از جنگ برای نابودی امریکا سخن می گفتند.

پس از سقوط رژیم طالبان در ۲۰۰۱، القاعده یک پناه گاه در وزیرستان ایجاد کرد و از همان جا به حمایت گروه طالبان که دوباره در حال عضوگیری و انسجام بود، به خصوص به حمایت شاخه جلال‌الدین حقانی ادامه داد. بعد ها القاعده حضور خود را در ولایات شرقی و جنوبی کشور گسترش داده و از طالبان در جنگ با دولت افغانستان حمایت کرد. فعالیت القاعده در کنر و نورستان را فردی به نام فاروق القحطانی رهبری می‌کرد. قحطانی تابعیت قطر را داشت و در ماه عقرب ۱۳۹۵ خبر کشته شدنش در رسانه‌ها نشر شد.

هنگامی که اسامه بن لادن در ماه می ۲۰۱۱ کشته شد، ایمن الظواهری جانشین او اعلام گردید و او به ملا عمر تجدید بیعت کرد. ملا عمر در سال ۲۰۱۳ در شفاخانه ای در کراچی جان داد، ولی خبر مرگش دو سال بعد اعلام شد. بعد از آن الظواهری به ملا اختر محمد منصور، جانشین ملا عمر، بیعت کرد و همین طور با کشته شدن منصور، به رهبر بعدی طالبان، ملا هبت‌الله، اعلام بیعت کرد.



در این عکس اسامه هنگام مصاحبه با هارون میر، خبرنگار پاکستانی، دیده می شود. اسامه که سال‌های نخست فعالیت جهادی‌اش را در پشاور سپری کرد، روابط نزدیکی با حلقات پاکستانی داشت. او سال‌ها چون صاحب خانه در امارت طالبان زنده گی و فعالیت کرد و عاقبت در کنار پایگاه مهم نظامی پاکستان در ایبیت‌آباد کشته شد.

القاعده در مدت جنگ طالبان با جمهوری اسلامی افغانستان در کنار طالبان جنگید، جنگ جویان این گروه را در عملیات شهری و بمب گذاری های انتحاری آموزش داد. بدون شک که اعضای القاعده در انجام عملیات انتحاری و بمب گذاری‌ها نیز مستقیم سهم گرفتند و دست شان به خون هزاران

هموطن ما آغشته است. گزارش‌ها حاکی از نقش برجسته القاعده در عملیات های انتحاری در کابل و دیگر شهرهای افغانستان می باشد.

وحید مزده، یکی از ماموران بلندپایه وزارت خارجه امارت اول طالبان، در مصاحبه خود با بی‌بی‌سی به تاریخ ۴ می ۲۰۱۱ گفته بود که رهبران طالبان به رهبران القاعده مکرراً می گفتند که شما مهمان نیستید بلکه صاحب خانه هستید. دیده می شود که طالبان و القاعده ارتباط دیرینه و ناگسستگی داشته و از نگاه عقیدتی و سازمانی مشترکات زیاد دارند. از این رو، وعده طالبان به امریکا مبنی بر جلوگیری از نفوذ القاعده، وعده میان تهی است و آنانی که تصور می کنند طالبان در نابودی آن شبکه تروریستی یاری خواهند کرد، اشتباه می کنند. واگذاری سرنوشت یک کشور به طالبان در بدل چنین وعده های دروغین در بهترین حالت ساده لوحی است، و در غیر آن جز همدستی با شورشیان و تروریستان در ایجاد آشوب و ناامنی در منطقه ما نام دیگری نمی‌توان به آن داد.

ایالات متحده چند بار دچار چنین خطا و همدستی خواسته یا ناخواسته با تروریستان شده است. در آغاز جهاد علیه اشغال شوروی از گروه های تندرو و تروریستی حمایت کرد، از جمله در انتقال جهاد گرایان و تندروان عرب به افغانستان و کمپ های مهاجران در پاکستان یاری رساند که از درون آن جهادیان، سازمان مخوفی چون القاعده سر بلند کرد. در مرحله بعدی برای سال‌ها به فرو افتادن افغانستان در چاله آشوب و خانه جنگی چشم پوشید و رشد انواع و ویروس‌های تندروی و افراطیت را در خاک افغانستان تماشا کرد. بعد ها وقتی در یازدهم سپتامبر گرفتار عواقب رشد تروریسم شد، با پاکستان که متحد استراتژیکش می‌خواند، ظاهراً در جنگ علیه تروریسم همکاری می کرد، در حالی که رهبران خطرناک ترین شبکه های تروریستی در خاک پاکستان پناه گرفته بودند. از جمله اسامه بن لادن در نزدیکی پایتخت آن کشور و کنار یکی از مراکز مهم نظامی در ایبیت‌آباد کشته شد. اکنون افغانستان به میدان فعالیت و پرورش دهشت‌افگنان کل منطقه بدل شده است. دیری نخواهد گذشت که این همه گروه های تروریستی که در افغانستان گردهم آمده‌اند، شورش و ناامنی را به همسایه گان افغانستان و از آن جا به سراسر منطقه و نقاط دور جهان صادر خواهند کرد و جنگ های خطرناک و بسیار خونین را به راه خواهند انداخت.

پایان